

فجر انقلاب و تجدید هویت شیعیان

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از رخدادهاي بزرگ نیمه دوم قرن بیستم از یک طرف باعث ایجاد تغییرات گوناگونی در جامعه ایران شد و از طرف دیگر تحولات فراوانی را در منطقه و جهان رقم زد.



پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از رخدادهاي بزرگ نیمه دوم قرن بیستم از یک طرف باعث ایجاد تغییرات گوناگونی در جامعه ایران شد و از طرف دیگر تحولات فراوانی را در منطقه و جهان رقم زد. انقلاب اسلامی از همان ابتدا به چشم اندازهایی فرامرزی نیز توجه داشت و با توجه به آرمانهای جهانی و اهداف منطقه ای، به نظر می رسد که در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی تاثیر گذاشته است. این تاثیرگذاری عمدتاً در افزایش آگاهی مسلمانان، بویژه جوامع شیعی قابل مشاهده است.

این مقاله تحلیلی است بر اینکه چگونه انقلاب اسلامی مورد استقبال توده های مردم مسلمان و به خصوص شیعیان سایر کشورها قرار گرفت. به طور مشخص انقلاب اسلامی از یک طرف باعث شد تا مذهب شیعه مورد توجه قرار گرفته و به جهانیان معرفی شود. از طرف دیگر، جوامع شیعی در اثر انقلاب اسلامی احساس خودباوری کرده، در جهت رشد و ارتقای سیاسی گام برداشته و موفق شدند برخی احزاب و تشکلهای سیاسی را تأسیس یا تقویت نمایند. اکنون آنان با تکامل نسبی فرایند سیاسی، در ساختارهای سیاسی کشورهای خود نقش آفرینی می کنند.

هویت یابی، خودآگاهی و معرفی شدن شیعه تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، شیعیان به صورت آتشی در زیر خاکستر پنهان بودند. آنان نقش زیادی در مناسبات سیاسی حکومتها و ساختار قدرت جهانی نداشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی که هویتی دینی داشت و بر اساس آموزه های اسلام شیعی بنا شده بود، و رهبری آن را عالمی دینی از مراجع تقلید شیعه بر عهده داشت، به تدریج تشیع و پتانسیل های آن به جهانیان معرفی شده و در محافل علمی و سیاسی مورد توجه قرار گرفت. در اثر انقلاب اسلامی، روح درهم شکسته و خسته شیعیان در مناطق مختلف جهان زنده شد و روحیه امید در کالبد آنان دمیده شد. پس از انقلاب، روحیه خود باوری و اعتماد به نفس شیعیان که رو به خاموشی می رفت، تقویت شد. به این ترتیب بیشترین تاثیر گذاری انقلاب اسلامی در میان جوامع شیعی اتفاق افتاده است. شیعیان پس از یک دوره فترت و سستی با ظهور انقلاب اسلامی هویت تازه ای یافتند. به این ترتیب انقلاب ایران نقطه عطفی در احیای هویت دینی شیعیان و حتی در نگاهی کلی تر، هویت دینی مسلمانان پدید آورد و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد.

شکل گیری یا تقویت احزاب و تشکلهای سیاسی دومین مرحله تاثیر پذیری شیعیان جهان از انقلاب ایران در شکل گیری یا تقویت احزاب و تشکلهای سیاسی در کشورهای منطقه (عراق، لبنان، بحرین، پاکستان، افغانستان) نمایان شد. به عنوان نمونه «حزب الدعوه عراق«، به عنوان یک تشکیلات شیعی، اگر چه در آن زمان حداقل 20 سال سابقه فعالیت داشت، ولی وقوع انقلاب موجب احیاء، تشدید و توسعه فعالیت این حزب گردید. سیاسی - تشکیلاتی شدن شیعیان لبنان نیز در قالب «جنبش حزب الهت« و نقش آفرینی چشمگیر آن در صحنه داخلی لبنان و در کل منطقه، به خصوص در ارتباط با معادله قدرت اسرائیل، به طور قطع بازتاب انقلاب اسلامی تلقی می شود. اما نمود بارز تاثیر پذیری شیعیان بحرین از انقلاب اسلامی و سیاسی شدن آنها، تشکیل «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین« بود. این جبهه در سال 1357 و بوسیله هادی مدرسی تأسیس شد.

در پاکستان «نهضت اجرای فقه جعفری« در 1358 تأسیس شد که به نظر می رسد راه اندازی آن تحت تاثیر پیروزی انقلاب اسلامی بوده باشد. این نهضت به عنوان یکی از ستونهای استوار تشکیلاتی شیعیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خدمات شایان توجهی در بین مردم پاکستان، به خصوص در راستای تبلیغ برنامه ها و اهداف انقلاب انجام داده است. علاوه بر نهضت اجرای فقه جعفری، تشکلهای سیاسی مختلف دیگری نیز در میان شیعیان این کشور فعالیت دارند که سازمان دانشجویی امامیه (I.S.O)، دار الثقافه الاسلامیه، موسسه صباح القران، موسسه انتشاراتی امامیه کیشنر، جامعه تبلیغاتی اسلامی و آکادمی اخوت از جمله مهمترین آنها می باشد. اگر چه برخی از این تشکلهای در سالهای قبل از انقلاب اسلامی تأسیس شده بودند، اما در اثر وقوع انقلاب ایران و با الهام گیری از آن، به تقویت فعالیت های خویش دست زدند.

در افغانستان نیز با پیروزی انقلاب ایران و تحت تاثیر آن، شیعیان احزاب و تشکلهای متعددی را تأسیس کردند که مقر یا شعبات برخی از آنان در ایران قرار داشتند. «سازمان نصر افغانستان« که قبلاً با اسامی دیگری فعالیت می کرد، در سال 1357 به این نام شناخته شد و مرکز آن به ایران منتقل شد. در سال 1358 شیعیان هزاره جات «شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان« را سازماندهی کردند. علاوه بر اینها، تشکلهای دیگری با نامهای «اتحادیه مجاهدان اسلامی افغانستان«، گروه «اسلام مکتب توحید«، «حرکت اسلامی افغانستان«، «نهضت اسلامی افغانستان« و «سازمان نیروی اسلامی

نقش آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشورها

با ارتقای سطح فکری و تشکیلاتی شدن شیعیان منطقه که با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد، آنان به تدریج توانستند در مسیر تکامل سیاسی گام بردارند و در ساختار سیاسی حکومت ها وارد شده و به نقش آفرینی بپردازند. در عراق، تکامل یابی سیاسی شیعیان در قالب حزب الدعوة، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و ... باعث شد تا پس از سقوط رژیم بعث، شیعیان بتوانند نقش اصلی را در ساختار سیاسی این کشور ایفا نمایند. در قانون اساسی جدید این کشور، مقام نخست وزیری که مهمترین و کلیدی ترین مقام محسوب می شود، از آن شیعیان شد و علاوه بر آن اداره چندین وزارت خانه نیز بر عهده وزرای شیعی نهاد شد. در پاکستان، مشارکت سازمان یافته شیعیان در قالب نهضت اجرای فقه جعفری به حضور مستقل و آشکار این حزب در انتخابات سال 1988 م منجر شد. از آن به بعد شیعیان همواره در مجالس ایالتی، ملی و سنا حضور قابل توجهی داشته و در امر تصمیم گیری مشارکت کرده اند.

در افغانستان اگر چه شیعیان بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب متعددی را سازماندهی کردند، اما بر اثر درگیری های داخلی این کشور و سپس تسلط طالبان، نتوانستند حضور چشمگیری در ساختار سیاسی ایفا نمایند. در عین حال آنان در نظام جدید پس از سقوط طالبان، موقعیت بهتر و رضایت بخش تری نسبت به گذشته به دست آوردند. شیعیان در کابینه دولتهای موقت و انتقالی یک معاون رئیس دولت و 5 وزیر داشتند. علاوه بر این شمار بالایی از شیعیان در سطوح گوناگون اداری در وزارتخانه ها استخدام شدند. بر خلاف گذشته که مذهب سنی حنفی شرط تصدی پست ریاست جمهوری یا پادشاهی افغانستان بود، در قانون اساسی جدید این کشور (مصوب 1382)، هر فرد افغانی مسلمان می تواند کاندیدای ریاست جمهوری شود. بر این اساس بود که در انتخابات سال 1383، محمد محقق، کاندیدای شیعه مذهب، شرکت کرد و از میان هیجده نفر حائز رتبه سوم شد.

در بحرین جنبش آزادی بخش این کشور که تحت تاثیر انقلاب اسلامی تاسیس شد و فعالیت های خود را گسترش داد، بیشتر از همه بر شکل گیری پارلمان انتخابی تاکید می کند. در واقع تشکیل پارلمان و تدوین قانون اساسی عادلانه، که در آن حقوق اکثریت جمعیت شیعه به رسمیت شناخته شود، به یکی از آرمانهای اساسی این کشور تبدیل شده است.

در لبنان که به لحاظ سیاسی یکی از کشورهای مهم منطقه محسوب می شود، ایران تاثیرگذاری زیادی داشته است. ایران در تلاش برای صدور انقلاب اسلامی و گسترش حوزه نفوذ خود، آرایش نیروها را در این کشور، از سال 1982 م به این سو تغییر داده است. به عبارتی ایران توانسته است به الگوسازی و عینی سازی نمود خود در جامعه لبنان دست زند. به دنبال این تحولات و در پی قرارداد 1990 م طائف، مقام ریاست مجلس به شیعیان واگذار شد. در تقسیم کرسی های پارلمان نیز از مجموع 128 کرسی، 38 کرسی به شیعیان، علویان و دروزیان تعلق گرفت. در حالیکه این تعداد قبلاً 25 کرسی بود. حزب اله لبنان نیز از سال 2000 م به بعد به یکی از بازیگران اصلی عرصه سیاسی این کشور تبدیل شد و موفق به نقش آفرینی در این زمینه شد. این حزب اکنون دارای 14 کرسی در مجلس لبنان و یک وزیر در کابینه است. این در حالی است که در سالهای گذشته، استراتژی اصلی حزب اله مشارکت در امور عام المنفعه آموزشی، درمانی و زیر بنایی بود. بنا به دلایلی در سالیان گذشته، مشارکت پررنگ در کابینه برای حزب اله در اولویت قرار نداشت.

نتیجه گیری

با نگاهی ژئوپلیتیکی به مسائل ایران و تشیع، مشخص می شود که هر اقدامی در ایران - به عنوان کانون مذهب شیعه - جوامع شیعی را که به حوزه نفوذ ایران تعلق دارند، متأثر می کند. وقوع انقلاب اسلامی نیز به عنوان یک رخداد بزرگ، که در مرکز این ساختار ژئوپلیتیکی (ایران) اتفاق افتاد، به سیاسی و تشکیلاتی شدن پیرامون و نیمه پیرامون (جوامع شیعی) منجر شد. به عبارتی دیگر، از آنجا که این تأثیر و تأثر ناشی از رابطه ای است که بین مرکز و پیرامونی های آن - یا بخشهایی از این پیرامونی ها که به مرکز احساس تعلق ژئوپلیتیک می کنند و در قلمرو اثرگذاری آن واقع می شوند - بوجود می آید، فضاهای شیعه نشین اطراف ایران نیز در قالب لایه های پیرامون و نیمه پیرامون، از تحولات رخ داده در کانون متأثر شده و عمدتاً به سمت فعالیت و مشارکت سیاسی و قدرت یابی حرکت کردند.

به هر حال بر اساس مطالب بالا و با توجه به اینکه انقلاب اسلامی که در کانون قلمرو شیعه نشین جهان رخ داد - دست کم در سه محور 1) هویت یابی، خودآگاهی و معرفی شدن شیعه؛ 2) شکل گیری یا تقویت احزاب و تشکلهای سیاسی؛ 3) نقش آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشورها، بر فضاهای پیرامونی خود اثر گذار بوده است. این تاثیرگذاری نشان می دهد که چگونه شیعیان در اثر انقلاب اسلامی از روحیه انقلابی مردم ایران الهام گرفته و با خودباوری و کشف هویت نیرومند خود، به سمت نقش آفرینی در میدانهای مختلف سیاسی - اجتماعی حرکت کردند. آنان ابتدا با تاسیس و تقویت احزاب و تشکلهای گوناگون و سپس تکامل یابی سیاسی ناشی از آن، موفق شدند سطح بینش سیاسی و تشکیلاتی خود را ارتقا بخشند. به گونه ای که امروزه از جایگاه مناسبتری در بدنه ساختار سیاسی کشورهای خود برخوردارند.

